



## Solutions for Reducing Divorce from the Perspective of Narrations with Emphasis on the Ideology of Imam Khamenei \*

Ali Akbar Safari <sup>1</sup> and Mohammad Amiri <sup>2</sup>

### Abstract



Marriage and the preservation of the warm nucleus of the family are divine traditions and the method of the pure heavenly leaders and the essential core of a healthy society. Legal marriage and a healthy family make a healthy society, leading to mutual acceptance and patience, providing a platform for ethical care, affection, mutual respect, trust-building, genuine love, and promoting each other's growth and flourishing. Divorce, on the other hand, is the opposite point of marriage, which results from discord, strictness, contempt arising from excessive idealism, lack of commitment, moral corruption, spiritual and intellectual wastefulness resulting from emotions and indulgences in transient pleasures, leading to illicit relationships and un-Islamic interactions, violating the sanctity of chastity, and neglecting dignity, honor, and the philosophy of creation and life. Considering the familial and societal damages of divorce, this research aims to explore solutions for reducing divorce through a descriptive-analytical method and utilizing management literature, focusing on the ideological framework of Imam Khamenei, with the objective of achieving exploratory, fundamental, and practical outcomes. By focusing on the internal and external influential factors and elements, solutions are discovered, elucidated, and presented. The most fundamental achievements in the realm of internal factors include rational control of desires, considering appropriate roles for women and men in family and society, and meeting needs and caring for natural differences. The fundamental findings in the realm of environmental influential factors include goal orientation, commitment, peace and reconciliation, and safeguarding sanctities based on justice and dignity preservation.

**Keywords:** Imam Khamenei's Narrational Ideology, Control, Solutions, Divorce Reduction, Divorce Prevention.

\*. **Date of receiving:** 15/09/2021, **Date of approval:** 23/01/2024.

1. Assistant Professor, Al-Mustafa International University, Qom, Iran (Corresponding Author):  
a.a.safari1364@gmail.com.

2. PhD Graduate in Quran and Management, Al-Mustafa International University:  
m.amiri4811@gmail.com.



## راهکارهای کاهش طلاق از منظر روایات با تأکید بر اندیشه امام خامنه‌ای\*

علی آقا صفری<sup>۱</sup> و محمد امیری<sup>۲</sup>



### چکیده

ازدواج و حفظ کانون گرم خانواده از سنت‌های الهی و روش پیشوایان پاک آسمانی و سلّول و هسته اصلی اجتماع سالم است. ازدواج شرعی و خانواده سالم جامعه سالم را می‌سازد و موجب هم‌دیگرپذیری و توأصی بالحق و توأصی بالصبر، فراهم‌سازی بستر مراقبت اخلاقی، مهرورزی، احترام متقابل، اعتمادسازی و عشق‌بازی راستین و رساندن همدیگر به رشد و شکوفایی است. طلاق نقطه مقابل ازدواج که رابطه معناداری با ناسازگاری، سخت‌گیری، تحقیر ناشی ایده آل خواهی افراطی، بی‌تعهدی، فساد اخلاقی، هرزگی روحی و فکری ناشی از احساسات و التذاذها و خوشی‌های زودگذر و در بلندمدت منجر شدن به مراددها و معاشرت‌های غیرشرعی، و دریدن حریم عفت و بی‌توجهی به کرامت، عزت و فلسفه خلقت و زندگی است. با توجه به آسیب‌های خانوادگی و اجتماعی طلاق در این پژوهش تلاش شده با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و با بهره‌گیری از ادبیات مدیریتی، راهکارهای کاهش طلاق از منظر سنت با تأکید بر منظومه فکری امام خامنه‌ای و باهدف اکتشافی و برآیند بنیادی و کاربردی به تجزیه و تحلیل گرفته شود. با محور قرار دادن عوامل و عناصر نقش‌آفرین درونی و بیرونی راهکارها کشف، تبیین و ارائه شده است. پایه‌ای‌ترین دستاوردها در حوزه داخلی کنترل عقلایی خواسته‌ها، لحاظ کردن نقش‌های مناسب زنان و مردان در زندگی در سطح خانواده و کلان، تأمین نیازها و اهتمام به تفاوت‌های طبیعی است. و اساسی‌ترین یافته‌ها در حوزه عوامل نقش‌آفرین محیطی، هدف‌محوری، تعهدمداری، صلح و سازش‌پذیری و پاسداری از حریم‌ها بر پایه عدالت و حفظ حرمت است.

واژگان کلیدی: اندیشه روایی امام‌خامنه‌ای، کنترل، راهکارها، کاهش طلاق، پیشگیری از طلاق.

\* تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۲۴ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۲/۱۱/۰۲.

۱. استادیار جامعة المصطفی ص العالمية، قم، ایران، (نویسنده مسئول): a.a.safari1364@gmail.com.

۲. دانش‌آموخته دکتری قرآن و مدیریت، جامعة المصطفی ص العالمية: m.amiri4811@gmail.com.



## مقدمه

ازدواج از سنت‌های دینی، نعمت‌ها و اسرار الهی و یکی از پدیده‌های اجتناب‌ناپذیر زندگی انسانی است. از منظر اسلام تشکیل خانواده عملی است که مرد و زن بایست آن را به‌عنوان یک وظیفه شرعی انجام دهند.

اگرچه این وظیفه در زمره واجبات ذکر نشده، اما از حدیث شریف پیامبر اکرم ﷺ استفاده می‌شود که بی‌اعتنای به آن موجب خارج شدن از زمره امت اسلام است «النَّكَاحُ سُنَّتِي فَمَنْ رَغِبَ عَنْ سُنَّتِي فَلَيْسَ مِنِّي» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۲۰/۱۰۰)

در منابع و آموزه‌های اسلامی به ویژه در لسان روایات تحریص و ترغیب و اصرار به انگیزه بخشی به ازدواج و دوری از طلاق شده و فرمایشات مقام معظم رهبری به این‌رهنمونند که خداوند از مرد و زن تنها خوشش نمی‌آید (امام خامنه‌ای، ۱۳۷۵/۱۱/۲۰) و انسان بی‌اهتمام به ازدواج مانند یک موجود بیگانه است؛ زیرا خواسته اسلام این است که خانواده، سلول حقیقی پیکره جامعه باشد نه فرد تنها (خامنه‌ای، ۱۳۷۵/۱۰/۵) با این وجود مطالعات و شواهد میدانی نشان می‌دهد ازدواج‌های دیر هنگام فراوان و ازدواج‌های ناموفق زیاد است یعنی پس از گذشت مدتی از ازدواج آن حال و شور و شوق و احساس نیاز نسبت به هم کم‌فروغ می‌شود و با نادیده گرفتن فواید و برکات ازدواج اقدام به گسست پیوند زناشویی و طلاق می‌گیرند.

به نظر می‌آید مشکل ناشی از آن است که شرایط کمالی ازدواج و کفویت مدنظر اسلام و هشیاری بایسته نسبت به پیامدهای طلاق نادیده گرفته می‌شود و با ناسپاسی از این نعمت الهی مال و جمال و روش و سبک منقطع از مبانی و ارزش‌های بنیادی اسلامی را در پیش گرفته و کانون گرم خانواده را متلاشی و نهاد پاک و مقدس را آلوده و نسل‌های بی‌حفاظ و بی‌هویت به جامعه افزوده و آسایش و آرامش را از بین می‌برند.

در این تحقیق تلاش بر آن است که راهکارهای کاهش طلاق از منظر روایات با تأکید بر اندیشه قرآنی امام خامنه‌ای به‌صورت روشمند و نظام‌مند به تجزیه و تحلیل گرفته شود.

ارزش علمی هر پژوهشی مرتبط با آگاهی‌دهی از تحقیقات پیشین و بیان درجه اهمیت و تمایز آن است. از این‌رو تلاشی به یافتن سابقه پژوهش شد و بر پایه مطالعات انجام‌شده پیشینه عام مسئله فراوان بوده و به‌راحتی با جستجو در پایگاه‌های علمی قابل دسترسی است؛ اما در حوزه پیشینه خاص اثری همسو با رویکرد و دغدغه اتخاذ شده یافت نشد لذا می‌توان اذعان نمود که فاقد پیشینه خاص درخور است.

روش‌شناسی ارتباط وثیق با مبانی و منابع دارد و بر همین اساس روش مدنظر توصیفی - تحلیلی است. این پژوهش از لحاظ شیوه گردآوری داده‌ها و تحلیل اطلاعات در زمره تحقیقات اکتشافی قرار دارد و از حیث داده کیفی و برحسب برآیند بنیادی و کاربردی است؛ زیرا درصدد کشف راهکارهای مطرح در آموزه‌های وحیانی و فرمایشات رهبری در باب کاهش طلاق است.

## الف. مفهوم‌شناسی

شناسایی متغیرها و مفاهیم اساسی در هر پژوهشی، جهت رفع ابهام، پایایی تحقیق تأثیر بسزایی دارد (عباسی مقدم، ۱۳۸۶: ۳۱).

### ۱. خانواده

خانواده در لغت به معانی اهل خانه، اهل بیت، مجموعه افراد که دارای پیوند سببی و نسبی که در زیر یک سقف زندگی می‌کنند، مجموعه خویشاوندان، تیره، خاندان، دودمان و مانند آن است (معین، واژه خانواده؛ دهخدا، بی تا، ۱۳۳۷/۲۰). برخی گفته‌اند خانواده مرکب از (خان) به معنای منزل و سرا، و (واده) به معنای اهل منزل است (خالقی، ش ۸۳/۶۴)

با نگرش جامعه‌شناختی، خانواده یک پدیده تاریخی است که از اجتماع کلی جدا نیست. در واقع خانواده یکی از نهادهای پنج‌گانه اجتماع است و نقش کلیدی در صعود و سقوط و فنا و بقای انسان دارد و از دیرباز در زندگی انسان‌های ماقبل تاریخ وجود داشته و حتی قبل از عبادتگاه و دولت و هر سازمانی که برای تمرکز فعالیت آدمی به وجود آمده، خانواده بوده است (دهخدا، بی تا، ۱۳۳۷/۲۰). از منظر جامعه‌شناختی، خانواده واحد اجتماعی و در عین حال واجد ویژگی‌های یک گروه و نهاد است و درباره آن تعریف‌های زیادی وجود دارد، از جمله:

۱. خانواده، مرکب از گروهی از افراد است که از طریق خون، ازدواج یا فرزندخولندگی به یکدیگر مربوط و منسوب شده و برای مدت طولانی و نامشخص باهم زندگی می‌کنند. خانواده، ساخته شده از یک گروه خویشاوندی است که در اجتماعی کردن فرزندان و بر آوردن برخی از نیازهای بنیادی دیگر؛ مسئولیت اصلی را به عهده دارد (کوئن، ۱۳۹۶: ۱۶۹).

۲. خانواده، متشکل از مرد و زن است که مطابق آداب و رسوم اجتماعی خویش با یکدیگر پیوند زناشویی بسته‌اند و بعد فرزندان به جمع آنها افزوده شده است (بهشتی، بی تا، ۲۷).

۳. یافته‌ها از فرمایشات علامه طباطبایی (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳۷۴/۷) حاکی از آن است که از نظر ایشان خانواده نقطه اصلی و مرکزی علاقه و محبت بین ارحام و نسل انسانی است و ارکان آن از یک طرف پدر و مادر و از طرف دیگر فرزندان می‌باشند و جامعه انسانی در حدوث و بقای خود نیاز به آن دارد.



آنچه از مطالعات با نگرش اسلامی، به دست آمد و پژوهشگران بدان رسیدند این است که خانواده در مفهوم خاص یک سازمانی است که از ازدواج شرعی زن و مرد پدید می‌آید و فرزندان و ارتباطات پدید آمده از ازدواج شرعی، دامنه کیفی و کمی خانواده را گسترش و افزایش می‌دهند. بنابراین هسته مرکزی خانواده با ازدواج شرعی پدید می‌آید و بر اساس آن زاد و ولد و ارتباطات خویشاوندی پدید می‌آید و اعضای آن دارای روابط قانونی، حقوقی، اخلاقی و عاطفی در وضع محدود زن و شوهر و فرزندان و در سطح کلان (عمو و عمه، دایی و خاله...) می‌شوند. باری، درباره خانواده از حیث کاربرد (زیستی، آماری) و کارکرد (جهت‌یابی، فرزند زایی) و شیوه معیشت (شهری، روستایی، عشایری)، و انتخاب همسر (قواعد و قوانین درون همسرگزینی و برون همسرگزینی) و از نظر ساخت (هسته‌ای، گسترده، ملحقات) و گسیختگی (مرگ، ترک، طرد و طلاق) سخن بسیار و در جوامع مختلف نگرش‌ها متفاوت می‌باشد و آنچه در این پژوهش بایست بدان اشاره شود، همسررداری است.

به نظر می‌رسد وجه غالب هم در مغرب زمین و هم در مشرق زمین و هم در نگرش اسلامی، تک همسری است. شایان توجه این‌که در جوامع غربی و غیر اسلامی، یکی از صورت‌های چند همسری این است که یک زن نیز می‌تواند با بیش از یک مرد ازدواج کند (کوئن، ۱۳۹۶: ۱۷۰).

در اسلام یک زن با رعایت احکام شرعی فقط با یک مرد حق ازدواج دارد؛ اما یک مرد با رعایت عدالت، می‌تواند همزمان تا چهار زن دائم داشته باشد و مهم‌ترین سند آن آیه (نساء: ۳) است و در این خصوص ابن‌ابی‌العوجاء دهری از هشام بن الحکم پرسید: «أَلَيْسَ اللَّهُ حَكِيمًا قَالَ بَلَىٰ وَهُوَ أَحْكَمُ الْحَاكِمِينَ، قَالَ فَأَخْبِرْنِي عَنْ قَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ: فَأَنْكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَىٰ وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَلَيْسَ هَذَا فَرَضًا؟ قَالَ بَلَىٰ، قَالَ: فَأَخْبِرْنِي عَنْ قَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ: لَنْ تَسْتَطِيعُوا أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ النِّسَاءِ وَ لَوْ حَرَصْتُمْ فَلَا تَمِيلُوا كُلَّ الْمِيلِ، أَي حَكِيمٍ يَتَكَلَّمُ بِهَذَا؟ هشام خود در ماند از پاسخ دهی و نزد امام صادق آمد و امام فرمود: «أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً يَعْنِي فِي النَّفَقَةِ وَفَلَا تَمِيلُوا كُلَّ الْمِيلِ... يَعْنِي فِي الْمَوَدَّةِ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۶۳/۵). بر همین مبنای از فرمایشات امام خامنه‌ای به دست می‌آید هر جامعه که در آن بنیان خانواده مستحکم باشد، بسیاری از مشکلات، بخصوص مشکلات اخلاقی و معنوی به برکت خانواده سالم و مستحکم یا به وجود نمی‌آید و یا برطرف می‌شود (خامنه‌ای، ۱۳۷۶/۹/۲) ایشان پیوند زناشویی را یکی از نعمت‌های الهی و یکی از اسرار آفرینش و موجبات بقا و ماندگاری و سلامتی جامعه می‌داند. (خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۱۲/۲۳)

آن رهبر حکیم، تأکید و تصریح دارند که خانواده کانون تولید اخلاق، ایمان و تربیت انسان دین‌دار و ارزش‌مدار است. جامعه که در آن خانواده سالم نباشد خاستگاه مشکلات روانی و آسفتگی و نامطمئن برای انتقال موارث فرهنگی، فکری و اعتقادی است (خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۱۰/۲۹؛ ۱۳۷۲/۱۱/۱۲).

## ۲. طلاق

طلاق در لغت به معنای رها کردن، آزادکردن، مفارقت و جدایی و ترک کردن آمده است (العین، بی‌تا، ۱۰/۵؛ المعجم ابن‌فارس، بی‌تا، ۴۲۰/۳). اگرچه این واژه‌ها و الفاظ متعدد هستند؛ اما معانی مترادف دارند. شایان توجه این‌که در قرآن کریم و لسان روایات برای گسست پیوند زناشویی واژه طلاق «إِنْ عَزَمُوا الطَّلَاقَ» (بقره: ۲۲۷)، «الطَّلَاقُ مَرَّتَانِ» (بقره: ۲۲۹) «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ إِنَّمَا أَدِنَ فِي الطَّلَاقِ مَرَّتَيْنِ» (صدوق، ۱۴۱۳: ۵۰۲/۳) بکاررفته است؛ اما در کتاب‌های لغت عربی بیشتر از واژه «تطليق» استفاده شده است (ابن‌منظور، بی‌تا، ۲۲۶/۱۰).

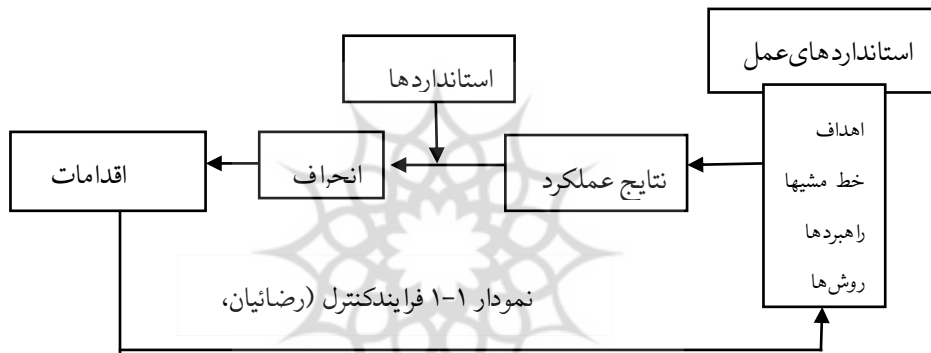
در اصطلاح فقهی، طلاق از ایقاعات و امور یک‌طرفه و به معنای رها کردن زن از زندگی زناشویی از جانب شوهر عاقل و با اختیار با اجرای صیغه طلاق است. چنانکه صاحب جواهر فرموده است «و شرعاً ازالة قيد النكاح بصيغة طالق و شبهها» (نجفی، بی‌تا، ۲/۳۲). طلاق در اصطلاح حقوقی به جدا شدن زن از مرد، به سبب انحلال نکاح دائم، با شرایط و تشریفات خاص از جانب مرد یا نماینده قانونی و با حکم دادگاه و اجرایی صیغه طلاق، واقع می‌شود (محقق داماد، بی‌تا، ۳۷۹). این‌که صیغه طلاق با چه لغت و زبانی اجرا شود تا رهایی زن از شوهر و جدایی شرعی واقع شود نیازمند بررسی شرایط، مجال و مقال دیگر است؛ اما در کلی‌ترین شکل تأکید بر اجرای صیغه طلاق با لفظ عربی صحیح شده (مکارم‌شیرازی، ۱۳۵۴: ۴۲۹) و از آیات «إِذَا طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ...» (طلاق: ۱-۲) و لسان روایات «...الْمُطَلَّقَةُ الْحَامِلُ أَجَلُهَا أَنْ تَضَعَ مَا فِي بَطْنِهَا... وَ أَنْ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ رَدَّ طَلَّاقَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ لِأَنَّهُ كَانَ عَلَى خِلَافِ الْكِتَابِ وَ السُّنَّةِ» (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۱۷/۲۲) بسیاری از شرایط جدایی، از جمله وجوب وجود دو شاهد عادل از مؤمنان در وقت اجراء طلاق (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳۱۲/۱۹) و عده و... به‌دست می‌آید.

## ۳. کنترل

کنترل یکی از مهم‌ترین وظایف مدیریت است؛ زیرا عهده‌دار تشخیص انحراف‌ها و تنظیم سایر وظایف (برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، بسیج منابع و هدایت) با اقدامات اصلاحی در جهت تحقق اهداف است. برای کنترل تعریف‌های متعدد وجود دارد؛ اما به نظر می‌آید جامع‌تر از بقیه آن است که کنترل،



تلاش منظمی است در جهت رسیدن اهداف استاندارد، طراحی نظام بازخورد اطلاعات، مقایسه اجزاء واقعی با استانداردهای از پیش تعیین شده و تعیین انحراف‌های احتمالی و سنجش و ارزش آنها بر روند اجرایی که در برگزیده حداکثر کارایی است (رضائیان، ۱۳۹۳: ۲۶۲؛ استونر، ۱۹۸۳: ۵۹۲). با توجه به مطالب بیان شده و تعریف مدنظر به این می‌رسیم که مدیریت خوب بستگی به کنترل دارد؛ زیرا کنترل، فرایندی است که از طریق آن اطمینان حاصل می‌شود که عملکردها با فعالیت‌های برنامه‌ریزی شده تطبیق دارند یا خیر (پاریزی و ساسانگهر، ۱۳۸۲: ۴۷۵-۴۷۷). باری، این مهم بحث پدیده و مستوفی می‌طلبد؛ اما در کلی‌ترین شکل کنترل، سه گونه اساسی «پیش از عمل، غربال‌گیری یا حین عمل، و پس از عمل» و چهار گام پای‌های دارد و فرایند آن در نمودار (۱-۱) نشان داده شده است.



### تحلیل روایی راهکارهای کنترل و کاهش طلاق

از کارکردهای اساسی خانواده، نظم و کنترل رفتارهای جنسی، مراقبت و نگهداری از کودکان، معلولان و سالمندان، تثبیت جایگاه اجتماعی و تعیین پایگاه‌ها و فراهم کردن امنیت اخلاقی و اقتصادی است. در کاهش کارکردهای خانواده و برهم زدن رابطه زناشویی و ایجاد و افزایش طلاق، عوامل و عوارض صنعتی، نقش اساسی دارند و مهم‌ترین شاهد و سند آن این است که پس از قرن بیستم، در کشورهای صنعتی، طلاق رشد فزاینده داشته و تحولات ناشی از توسعه صنعت و شهرنشینی، میزان طلاق را در کشورهای جهان سوم و اسلامی نیز به صورت معنادار افزایش داده است. در جوامع امروزی شاهد تزلزل‌ها در نگرش‌ها، عدم التزام به ارزش‌ها و کارکردهای خانواده هستیم و به نظر می‌آید یکی از دلایل اساسی آن این است که زن و شوهر هیچ‌کدام به‌تنهایی برای تولید ضروریات زندگی و خدمات لازم به خانواده وابسته نیستند و این موجب انحلال خانواده و افزایش تنش و طلاق است و فهم بایسته آن با مقایسه خانواده یک جامعه کشاورزی با یک جامعه شهرنشینی و محیط صنعتی، حاصل می‌شود.



در جامعه سنتی، طلاق قبح خاص دارد ولی در جامعه صنعتی طلاق یک راه حل اجتماعی پذیرفته شده برای ازدواج‌های است که با موفقیت همراه نیست (کوئن، ۱۳۹۶: ۱۷۵-۱۷۷). باری، عوامل و عناصر مؤثر در جدایی زوجین و از هم پاشیدگی خانواده از طریق طلاق فراوان و بی‌پایان‌اند؛ زیرا عوامل ازدواج و شکل دهنده زندگی مشترک و نیز طلاق و جدایی زن و شوهر که هر کدام دارای شخصیت منحصر به فردی است، متعدد و چندلایه است؛ اما با این وجود به نظر می‌آید پای‌های ترین دلایل بر هم زدن کانون گرم خانواده و فراهم‌سازی بستر طلاق و جدایی، توقعات و انتظارات طرفین که ممکن است ناشی از پایگاه اجتماعی، آینده‌نگری و مانند آن باشد و نیز رابطه جنسی، سلامت جسمانی، امنیت شغلی، نقش خاص هر کدام در قبال دیگری، کم‌سود شدن جلوه‌های عشق و علائق شخصی پیش از دواج است (کوئن، ۱۳۹۶: ۱۷۸-۱۷۹). با توجه به فرایند کنترل و مطالب بیان شده، راهکارها بر اساس دو مبنا انگیزاننده‌های درونی و محرک‌های وضعیتی به بررسی گرفته خواهند شد.

#### ۴. عواملی درونی و ذهنی

انگیزاننده‌های درونی، ناشی از کمبودها یا احساس کمبود و معطوف به برآیند معین هستند. کمبودها از حیث زندگی، معرفتی و ایمانی قابل دسته‌بندی بوده و به نظر می‌آید این قالب هم از آموزه‌های اسلامی (انفال: ۶۵؛ هلالی، ۱۴۰۵: ۷۶۷/۲) و هم از ادبیات مدیریتی (رضائیان، ۱۳۸۹: ۵) قابل اصطیاد است.

بر این اساس با توجه به این که نیاز یک حالت درونی ناشی از کمبود است و احساس آن موجب برانگیختن انسان به تلاش در جهت تحقق هدف و برآورده ساختن خواسته‌ها می‌باشد، می‌توان گفت عنصر محوری تلاش، شدت و زیادی است و آن هنگامی نمایان می‌گردد که فرد بر انگیزخته و هدایت در جهت کسب منافع و رفع کمبودها شود.

با توجه به مباحث ذکر شده مشخص شد که رفت کمبودها در حوزه‌های زیستی (فضا، غذا، لباس، مسکن و...) و معرفتی (پاسخ به شبهات، بصیرت دهی به افراد، تبیین ارزش‌ها و...)، تربیتی و ایمانی (التزام به بایدها، پرهیز از نبایدها) قابل طرح و تبیین هستند. مطالعات نشان می‌دهد در لندیشه امام‌خامنه‌ای، راهکارهای کنترل و کاهش طلاق از این منظر را می‌توان در چارچوب (یادآوری، مدیریت خواسته‌ها، پرهیز از منفی‌نگری، تقویت خودباوری) تقسیم و تبیین کرد.





## یک. یادآوری نقش و جایگاه

یادآوری فلسفه ازدواج، اهداف، انجام وظایف و عمل بر اساس قرار و مدارها، نقش بسیار مؤثر در گزینش معیارهای زندگی سالم، اصلاح رفتارهای انحرافی، افزایش مهرورزی و کاهش طلاق دارد. بی تردید این امور رابطه مثبت و مستقیم با مقررات مرتبط با مدیریت بایسته خواسته‌ها و انتظارات دارد و در لسان احادیث به جایگاه سعادت آفرین همسر تأکید شده است «ثَلَاثَةٌ أَشْيَاءُ فِي كُلِّ زَمَانٍ عَزِيْزَةٌ... وَ الرَّوْجَةُ الصَّالِحَةُ» (مصباح الشریعة، ۱۴۰۰: ۱۵۰) و «مِنْ سَعَادَةِ الْمَرْءِ الرَّوْجَةُ الصَّالِحَةُ» و «ثَلَاثَةٌ مِنَ السَّعَادَةِ الرَّوْجَةُ...» (کلینی، کافی، ۱۴۰۷: ۲۵۸/۵) و «إِذَا أَرَدْتُ أَنْ أَجْمَعَ لِلْمُسْلِمِ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ جَعَلْتُ لَهُ قَلْبًا خَاشِعًا... وَ رَوْجَةً مُؤْمِنَةً تَسُرُّهُ إِذَا نَظَرَ إِلَيْهَا وَ تَحْفَظُهُ إِذَا غَابَ عَنْهَا فِي نَفْسِهَا وَ صَالِحًا» (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۲۷/۵).

## دو. مدیریت خواسته‌ها و جلب توجه‌کننده‌ها

وقتی داشته‌ها و خواسته‌ها به شکل منطقی مدیریت شوند، جلب توجه کننده‌ها با یادآوری و مقایسه‌ها عدالت محور، نگرش را متعادل می‌سازد. این مهم در ایجاد نظم و متناسب‌سازی زندگی، کنترل خواسته‌ها، لحاظ کردن محدودیت‌ها و کاهش احساس قصور و کوتاهی نسبت به هم، نقش مؤثر دارد و از ره‌آوردهای آن خوش رفتاری و گرم نگهداری بنیان خانواده است. از آموزه‌های وحیانی و فرمایشات رهبری به این می‌رسیم که تحقق آن با اهتمام به نقش مدیریتی و تربیتی زن در داخل خانه و پذیرش مسئولیت و مدیریت مرد در سطح کلان خانواده؛ امکان‌پذیر است و در این خصوص از آیات و روایات می‌توان بهره گرفت (تفسیر العسکری، ۱۴۰۹: ۲۶۶).

## مدیریت زن در داخل خانه

در این خصوص رهبری می‌فرماید «همچنان که بدن انسان از سلول‌ها تشکیل شده... جامعه نیز از سلول‌هایی تشکیل شده و این سلول‌ها خانواده‌اند هر خانواده‌ای یکی از سلول‌های پیکره و بدنه اجتماع است. وقتی سلول‌ها سالم باشند رفتار و بدنه و پیکره جامعه سالم خواهد بود و این مهم با عمل به وظایف محقق خواهد شد» (خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۳/۸) ایشان تأکید و تصریح دارند که «از وظایف اساسی زن در نظام خانواده‌ای که منطبق با اصول شرع باشد، اهتمام به نقش تربیتی و مدیریتی زن در خانه می‌باشد و این پایه اصلاح جامعه و سعادت است» (خامنه‌ای، ۱۳۷۴/۵/۱۱) فرمایشات رهبری به این رهنمون‌اند که «اگر در نظام خانواده وظایف به خوبی انجام و محیط آرام و مناسب حکم فرما شود، می‌توان خاطر جمع شد که فرزندان از لحاظ ساختار عاطفی، و روانی سالم هستند» (خامنه‌ای،

۱۳۷۴/۵/۱۱)، ایشان به صورت مشخص می‌فرمایند «با مدیریت بایسته نظام خانواده سه دسته انسان اصلاح می‌شوند، یکی مردها که پدران خانواده هستند، یکی زنان که مادران خانواده هستند و دیگری کودکان که نسل بعدی جامعه هستند» (خامنه‌ای، ۱۳۷۴/۲/۱۹).

این مهم می‌طلبد که به نقش و وظایف زن و مرد و جایگاه مدیریتی آنان اهتمام خاص صورت گیرد؛ زیرا از سوی موجب اعتنا نسبت به هم و از بین بردن شک و تردید است و از سوی دیگر فراهم‌ساز بستر وظیفه‌شناسی ابراز مهر و محبت و عشق و مایه اساسی زندگی سالم است. و در این میان نقش تقسیم وظائف و انتظار منطقی در زندگی زناشویی از کلیدی ترین مسائلی است که باید طرفین نسبت به آن اهتمام جدی داشته باشند.

بدیهی است وقتی زن و شوهر در پایان کار روزانه یا در وسط روز به هم می‌رسند و همدیگر را می‌بینند، هردو از هم توقع دارند که توانسته باشند محیط را شاد و سرزنده، قابل زیست و رفع کننده خستگی، سازند و این توقع بجای است؛ اما به شرط این که هرکسی به وظایف خود ملتزم باشد و این فراهم‌ساز بستر زندگی شیرین و سالم است.

باری، از فرمایشات رهبری به این می‌رسیم که از مختصات خانواده خوب و زندگی سالم و انتقال فرهنگ بایسته و رسیدن به آرامش قرآن پایه «وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا» (اعراف: ۱۸۹) و «خُلِقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا» (روم: ۲۱) و این مودت بواسطه ازدواج حاصل می‌شود و بی تردید با محور قرار دادن برنامه‌های اسلامی می‌توان وظیفه‌شناسی و مهریزی را افزایش و رفتارهای انحرافی و غیراخلاقی و منجر به طلاق را کاهش داد.

بر پایه آیات ذکرشده رهبری می‌فرمایند: «تعبیرسکن که در قرآن دوجا آمده و مرتبط با این است که خداوند زوج آدمی را از جنس او قرار داد تا این که آدمی (چه مرد و چه زن) بتواند در کنار همسر خود احساس آرامش کند، آرامش و نجات از تلاطم‌های روحی و اضطراب‌های زندگی» (خامنه‌ای، ۱۳۷۵/۱۰/۵) از این رو است که می‌توان اذعان نمود میدان زندگی، میدان مبارزه است و انسان دائماً در معرض نوعی از اضطراب است و این را با زندگی قرآن پایه می‌توان مدیریت و کنترل کرد و زمینه را برای خوشبختی طرفین فراهم ساخت.

#### مدیریت مرد در سطح کلان

در این خصوص در قرآن کریم آمده است: «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ...» (نساء: ۳۴) آمده و این آیه مباحث زیاد دارد و احادیث مرتبط با آن نیز بسیار است (صدوق، ۱۴۱۳: ۲/۴۳۸)؛ اما آنچه بایست بدان در این پژوهش اشاره شود واژه‌های «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ» و «فَصَلِّ اللَّهُ بِعَضْمٍ عَلَى بَعْضٍ» و «أَنْفَقُوا» است.



«قیم» به معنای کسی است که مسؤول قیام به امر شخصی دیگر است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۶۸/۳). منظور از «بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ» آن زیادت‌هایی است که خداوند به مردان داده، به حساب طاقتی که بر اعمال دشوار و امثال آن دارند، چون زندگی زنان یک زندگی احساسی و عاطفی است که اساس و سرمایه‌اش رقت و لطافت است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۶۹/۳).

مراد از «بِمَا أَنْفَقُوا» مهری‌های است که مردان به زنان می‌دهند و نفق‌های است که همواره به آنان می‌پردازند (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۴: ۳۷۲/۳).

از مطالعات تفسیری و عمومیت علت به دست می‌آید حکمی که مبتنی بر آن علت است یعنی قیمت بودن مردان بر زنان نیز عمومیت دارد و منحصر به شوهر نسبت به همسر نیست و چنان نیست که مردان تنها بر همسر خود قیمت داشته باشند، بلکه حکمی که جعل شده برای نوع مردان و بر نوع زنان است، البته در جهات عمومی که ارتباط با زندگی هر دو طایفه دارد.

بنابراین پس آن جهات عمومی که عامه مردان در آن جهات بر عامه زنان قیمت دارند، عبارت است از مثل حکومت و قضا که حیات جامعه بستگی به آنها دارد و قوام این دو مسؤولیت و یا بگو دو مقام بر نیروی تعقل است که در مردان بالطبع بیشتر و قوی‌تر است تا در زنان، همچنین دفاع از سرزمین با اسلحه که قوام آن برداشتن نیروی بدنی است و شالوده سخن آنکه «الرَّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ» اطلاقی تام و تمام دارد؛ اما بقیه جملات آیه مانند «فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ...» ظاهر در خصوصیات است که بین زن و شوهر هست و نمی‌خواهد این اطلاق را مقید کند، بلکه می‌خواهد فرعی از فروع این حکم مطلق را ذکر نموده، جزئی از میان جزئیات آن کلی را بیان کند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳۴۴/۴).

به نظر آیه در صدد بیان این حکم است که مردان مدیریت نظام خانواده را به عهده دارند و سزاوار زنان مسلمان این است که همواره شوهران خود را در هر چه که مشروع است از ایشان بخواهند اطاعت کنند؛ و از پاره «بِمَا حَفِظَ اللَّهُ» به دست می‌آید که زنان مطیع شوهران خویش به حکم قیمت و مدیریت مردان بر آنان است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳۴۴/۴؛ مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۴: ۳۷۲/۳).

بر مبنای آیات کلام وحی رهبری در این خصوص می‌فرمایند: «گاهی اتفاق می‌افتد که مرد در خانه نقش زن را بازی می‌کند. زن حاکم مطلق می‌شود و به مرد دستور می‌دهد این کار را بکن آن کار را نکن. مرد هم دست بسته تسلیم است و چنین مردی نمی‌تواند تکیه‌گاه زن باشد و زن یک تکیه‌گاه خوب را دوست می‌دارد» (خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۶/۲۸).

از این فرمایشات و دیگر بیانات رهبری استفاده می‌شود که در زندگی بایست بر پایه تقسیم وظایف انتظار خوب مدیریت و تربیت کردن در نظام خانواده از زن و شوهر داشت؛ اما هرکدام نباید نقش خود را فراموش کند.

## ۵. تأمین نیازهای جنسی و طبیعی

بی تردید مدیریت بایسته زندگی و حفظ کانون گرم خانواده نیازمند تأمین خواسته‌های منطقی و شرعی طرفین است. این مهم می‌طلبد که زن و شوهر وقت خاصی را اختصاص به گفتگو و پاسخ به تقاضاها و خواسته‌ها و متقاعدسازی بدهند و از این طریق افکار و برداشت‌ها خوب مدیریت کنند.

یکی از خواسته‌های اساسی تأمین نیازهای جنسی است و در این خصوص هم در قرآن کریم مطالب ژرف هست (بقره: ۲۲۳) و هم در حدیث آمده زنی از پیامبر اکرم ﷺ درباره حقوق شوهر پرسید و پیامبر فرمود: بر زن است که خود را از شوهرش باز ندارد و بگذارد تا وی از او کام بگیرد حتی اگر بر روی کوهان شتر باشد «وَلَا تَمْنَعُهُ نَفْسُهَا وَإِنْ كَانَتْ عَلَى ظَهْرِ قَتَبٍ»، (کلینی، ۱۴۰۷: ۵/۵۰۷). شالوده یافته‌های روایی این است که آن‌گونه که لباس بدن انسان را میپوشاند، زن مرد را و مرد زن را از اعمال منافی عفت می‌پوشاند. از مجموع یافته‌ها به دست می‌آید که یکی از راه‌های اساسی اکتفا به حلال و رسیدن به زندگی سالم، اهتمام به خواسته‌های همسر در شرایط مختلف است و این از جمله «أَنْتِ سَيِّئُتُمْ» اصطیاد می‌شود (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲/۵۶۵). آنچه در باره تأمین خواسته‌های جنسی زن و شوهر از آیات و روایات به دست می‌آید این است که قوانین حاکم در این حوزه فراهم‌ساز بستر آسایش است و اهتمام بدان نقش اساسی در رسیدن به زندگی سالم و کاهش بدرفتاری‌ها و امور منتهی به طلاق دارد.

با توجه به این که طلاق از ایقاعات و در اختیار شوهران است اگر زنان به این دستورات قرآن که با صراحت سخن از ضرورت حق تمکین زنان به مردان دارند (... نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ...) می‌توان گفت یکی از راهکارهای مهم کنترل و کاهش طلاق برآورده سازی خواسته‌های طبیعی و جنسی است.

اسلام با توجه به روحیه مرد و نیاز جنسی او، به مرد حق می‌دهد که در هر زمان که بخواهد از همسرش بهره‌گیری نموده و خود را ارضا نماید و زن را موظف کرده در صورت نیاز شوهر به این امر پاسخگو باشد و تسلیم وی شود و تمکین نماید.

در صورت تمکین نکردن، زن ناشزه (نافرمان بردار) شده و ممکن است در آخر منجر به از هم پاشیدگی زندگی زناشویی و طلاق شود.

باری، منظور آن است که یکی از مهم‌ترین راهکارهای کاهش طلاق در جامعه توجه زنان به عنوان همسر به خواسته‌های جنسی و طبیعی و جلب توجه شوهر از طریق تمکین است؛ زیرا در صورت عدم تمکین نقض غرض حاصل گردیده و منظور واقعی ازدواج و نکاح عملی نخواهد گردید. عدم تمکین زوجه همان‌گونه که ممکن است موجب قطع نفقه وی شود (محقق، بی‌تا، ۸۵) می‌تولند عامل قوی برای جدای و طلاق باشد.



شایان توجه این‌که اسلام در موارد خاصی به زن حق داده که از درخواست مرد امتناع کند که جواز این امتناع خود علل گوناگونی ممکن است داشته باشد و برخی از مهم‌ترین‌ها امور ذیل است:

- مهریه زن نقدی باشد و زن مهریه‌اش را هنوز دریافت نکرده و هنوز هم عمل زناشویی صورت نگرفته باشد.

- در حال حیض باشد، قرآن در این زمینه می‌فرماید: «...فَاعْتَرِلُوا النِّسَاءَ فِي الْمَحِيضِ وَلَا تَقْرُبُوهُنَّ حَتَّىٰ يَطْهُرْنَ» (بقره: ۲۲۲) و در لسان روایات آن تبیین شده است (طوسی، ۱۴۰۷: ۱۰۳/۱؛ قمی، ۱۴۱۴: ۵۰۳/۲).

- در حال نفاس باشد که حکم حرمت آن مانند حیض است.

- زن در حال احرام باشد یا در حال اعتکاف باشد یا در حال روزه‌داری باشد یا در حال بیماری زن یا بیماری مرد و مضر بودن به زن باشد

- در حالت بیماری مرد و شرایط خاص داشتن زن که پرداختن به مستندات قرآنی و روای و فقهی و دیدگاه امام خامنه‌ای در باره امور مذکور، نیازمند مقال مستقل است و در این اثر منظور آن است که تأمین نیازها و خواسته‌ها رابطه متعادل دارد و رهبری در این خصوص فرموده است: «وظایف متقابل زن و مرد نسبت به یکدیگر مختلفند اما تعادل وجود دارد... یک چیزی متعلق به آنها است، به همان میزان یک چیزی متعلق به طرف مقابل است، [یعنی] بر دوش آنها و تکلیف آنها است. یعنی هر وظیف‌های که به کسی محول شده، در قبالش یک حقی وجود دارد. هر امتیازی به هر کدام داده شده، در مقابلش یک وظیف‌های وجود دارد...» (خامنه‌ای، ۱۴۰۱/۱۰/۱۴).

بنابراین مدیریت بایسته خویشتن نیازمند درک قوت‌ها و تقویت نگرش مثبت نسبت به هم و بازخورد گیری بایسته از خودباوری و تشکر صادقانه از همدیگر است.

این کار به‌ظاهر ساده در واقع بسیار مؤثر و کارا در خود تقویتی و فراهم‌سازی بستر همدلی و کنترل خواسته‌ها و کاهش رفتارها و اقدام‌های منجر به طلاق است.

بر همین مبنا امام خامنه‌ای می‌فرماید: «خانواده خوب در درجه اول طریق مهربانی زن و شوهر نسبت به هم و اظهار وفا و صمیمیت و عشق‌ورزی و رعایت حال همدیگر و گرمی داری مصالح همدیگر و احساس مسئولیت کردن نسبت به همدیگر، پدید می‌آید. یک چنین خانواده، اساس همه اصلاحات واقعی در کل کشور است؛ چون انسان‌ها در چنین خانواده خوب تربیت می‌شوند با صفات خوب (وظیفه‌شناس، شجاع، با استقلال عقل، با احساس مسئولیت، با محبت، با جرئت تصمیم‌گیری، با خیرخواهی، با نجابت) و قدرت اقدام و عمل تربیت می‌شوند و چنین جامعه روی بدبختی را نخواهد دید» (خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۲/۱۹).

## ۶. عوامل بیرونی و محیطی

وقتی آدم‌ها، به‌ویژه همسران بخواهند از یک نگرش منفی نسبت به هم و عادت سرزنش آفرین، رهایی یابند؛ بایست به همه محرک‌ها و عوامل مؤثر در پدیدآوری وضعیت خاص (عصرهای وسوسه‌گر به بدرفتاری ...) و فشارها و تنش‌های حاصل از عوامل محیطی و نیز راهکارهای تقویت نگرش مثبت و کاهش دهنده عوامل مداخله‌گر به بدرفتاری و مانند آن؛ اهتمام ورزند.

لازمه نظم و نسق دهی بایسته زندگی، درک شرایط و اقتضائات محرک‌های وضعیتی و فهم زمینه‌ها و عوامل محیطی است و این مهم از ادبیات مدیریتی (رضائیان، ۱۳۹۴: ۱۹۴) و آموزه‌های وحیانی (ذاریات: ۲۰-۲۱) و یافته‌های حدیثی (صحیفه الإمام الرضا، ۱۴۰۶: ۹۳) و منظومه فکری امام خامنه (بیانیه گام دوم انقلاب) قابل کشف و اصطیاد است.

باری، داده‌ها به این‌رهنمونند که در لندیشه قرآنی مقام معظم رهبری راهکارهای کنترل و کاهش طلاق از این حیث را می‌توان در گونه‌های (هدف‌گذاری، تعهدمداری، کدگذاری و سبک زندگی) دسته‌بندی و تبیین کرد.

### یک. تعیین هدف و هدف‌گذاری

تعیین اهداف در زندگی از ضروریات و سنگ بنای کفویت محسوب می‌شود و تحقق آن نیازمند نگاه جامع و هدف‌گذاری است؛ زیرا با هدف‌گذاری هم مقصد مشخص می‌شود و هم معیارهای رشد و رسیدن به زندگی بایسته ارائه می‌گردد.

در ادبیات مدیریتی تأکید بر آن است که اهداف شخصی بایست چالشی و در عین حال دست‌یافتنی باشند (رضائیان، ۱۳۹۴: ۱۹۶)، بر همین اساس در این پژوهش منظور از تعیین هدف اهتمام به فلسفه ازدواج، برکات آن و شناخت متقابل باورها و ارزش‌ها و نگرش‌ها و هدف‌گذاری جهت نیل به مطلوب است. بی‌تردید هر تلاشی بر اساس تعیین هدف شکل می‌گیرد و رفتار و عمل در راستای هدف بر پایه باورها هدف‌گذاری می‌شوند تا به‌منزله گام برداشتن در تاریکی نباشند.

در واقع نظام زندگی مبتنی بر باورها است و انسان‌ها بر اساس باورهایشان عمل می‌کنند و از این‌رو ناهماهنگی و ناهمگونی در ایمان، هرگز زن و مرد را به مقصد و مطلوب و زندگی بایسته نمی‌رساند (تقی‌زاده، بی‌تا، ۸۷).

در هر صورت در باب اهتمام به تعیین هدف و لحاظ کردن کفویت از پیامبر اکرم ﷺ پرسیدند کفوها چه کسانی هستند؟ حضرت فرمودند: «مؤمنان کفو و هم‌شان همدیگرند» (حرعاملی، بی‌تا، ۲۵۱/۷) و



امام صادق علیه السلام فرمودند: «زنی که عارف به حق و برخوردار از ایمان و معنویت والا است فقط باید به ازدواج مردی درآید که او هم دارای ایمان بالایی است» (کلینی، بی تا، ۱۸۹/۵).  
تحقیقات وسیع نشان داده است که اختلافات عقیدتی، مذهبی و ارزشی زوج‌ها می‌تواند زمینه‌ساز مشاجرات و نارضایتی‌های زناشویی و منجر به طلاق گردد (تقی زاده، بی تا، ۸۷).

انسان مؤمن اگر با همسر بی‌ایمان ازدواج کند و نتواند او را متدین نماید، باید هم‌رنگ او شده و بی‌دین شود و یا در برابر او مقاومت کند و دائماً در تعارض باشند که هر دو از زندگی موفق به دور هستند (مظاهری، بی تا، ۸۶). باری، کفویت ایمانی در ازدواج موجب آن است که هر دو نفر وجودشان منبع آرامش باشد و با وارسنگی و شکوفایی از هر نوع ناآرامی و ناامنی و تردید و تحقیر اجتناب کنند و این از آیه‌ای که خداوند آرامش را در قلب مؤمنان قرار داده، به‌دست می‌آید (فتح: ۴).

فرمایشات رهبری نشان می‌دهد تعیین هدف و هدف‌گذاری برای رسیدن به همسانی در سلامت و پاکی نفس در فرهنگ و ارزش‌های اسلامی، یکی از اساسی‌ترین معیارهای بسیار مؤثر در افزایش مهر و علاقه نسبت و کنترل خواسته‌ها در مقابل جلوه‌های مادی و کاهش طلاق است و این از آیه ۲۶ سوره نور که می‌فرماید زنان خبیث از آن مردان خبیث و زنان پاکیزه برای مردان پاک و اهل ایمان هستند به‌دست می‌آید (افروز، بی تا، ۸۹).

بر این اساس می‌توان اذعان نمود که تعیین هدف و هدف‌گذاری جهت تحقق عدالت فردی و اجتماعی به معنای واقعی کلمه و تشکیل خانواده و یک جامعه اسلامی ضرورت دارد و باید به آن توجه جدی شود.

مقام معظم رهبری در این باره تأکید می‌فرمایند «باید یک هدفی ترسیم کرد، هدفی را که به آن ایمان پیدا کنیم؛ زیرا بدون ایمان، پیشرفت در بخش‌های زندگی امکان‌پذیر نیست» (خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۷/۲۳) بر پایه رهنمودهای مقام معظم رهبری می‌توان نتیجه گرفت که رسیدن به هدف نیازمند هدف‌گذاری است زیرا بدون هدف‌گذاری نمی‌شود حرکت کرد. اگر در هر کاری بدون هدف‌گذاری حرکت و پیش‌روی باشد کار به روزمرگی خواهد رسید. معظم له بر اساس آیات کلام وحی (اعراف: ۱۸۹؛ روم: ۲۱) هدف اساسی از ازدواج را رسیدن به سکون و آرامش روانی و آسایش زندگی است و این از تعبیر «سکن» در قرآن کریم به‌دست می‌آید و ایشان می‌فرمایند «با ازدواج چه مرد و چه زن بتوانند از اضطراب‌ها بکاهد» (خامنه‌ای، ۱۳۷۵/۱۰/۵)

از مجموع مطالب یادشده مشخص شد که اهتمام به هدف در ازدواج و هدف‌گذاری برای رشد عقلانی، عاطفی، اجتماعی و اخلاقی ضرورت دارد و این می‌طلبد که در لحاظ کردن کفویت تنها



مسئله سن و سال و امور مادی مطرح نیست، بلکه برای رسیدن به تفاهم بایسته و زندگی پرمهر و با دوام نگاه جامع‌نگرانه داشت این سنجه‌ها از آیات و روایات و فرمایشات رهبری در باب لحاظ کردن کفویت و همسانی زوجین برای تداوم زندگی مشترک و سالم به‌دست می‌آید و برای کنترل رفتارها و کاهش طلاق نه برخی از ملاک‌ها بلکه با نگرش جامعه همه عناصر تکون بخش آن مطمح نظر قرار گیرد.

## دو. تعهدمداری (اخلاق محوری)

لازمه تعهدمداری و اخلاق محوری، التزام و پابندی به آن است. به‌عنوان نمونه اگر امروز فلان کار مثبت را بتوانم انجام دهم حق دارم فلان انتظار منطقی را داشته باشم نوعی از تعهدمداری و اخلاق محوری است؛ زیرا بیانگر احترام به‌قرار و مدار است و این می‌تواند در زندگی زوجین نقش حیاتی داشته باشد و صدا البته نیازمند مشارطه و اهتمام به شرایط رشد و پیشرفت در حوزه‌های زندگی فردی و زناشویی و نیز اجتماعی است.

آنچه در این قسمت از پژوهش محور توجه قرار گرفته این است که زن و شوهر یکی از حقوق و وظایف متقابل خود، حسن معاشرت و تعهدمداری نسبت به یکدیگر را بدانند. در زندگی زناشویی یکی از دستورات اخلاقی که بسیار مورد تأکید قرآن و پیشوایان دین می‌باشد تا جایی که جنبه حقوقی و تکلیفی پیدا کرده، همین مسئله حسن معاشرت و خوش رفتاری با یکدیگر است (جارا، بی تا، ۶۸/۳). در این زمینه از روایات زیادی می‌توان بهره گرفت به‌عنوان نمونه حضرت فاطمه علیها السلام به امام علی علیه السلام می‌فرمایند: «ابن عمّ ما عهدتینی کاذبَةً وَ لَا حَائِنَةً وَ لَا خَالْتُشْكَ مُنْذُ عَاشِرْتِنِی فَقَالَ علیه السلام مَعَاذَ اللَّهِ...» (نیشابوری، ۱۳۷۵: ۱۵۱/۱)

مستفاد از بیانات رهبری مبتنی بر این آموزه‌ها آن است که تعهدمداری و معاشرت نیک و اغماض نظر از کاستی‌های یکدیگر یکی از عناصر بسیار تأثیرگذار در ایجاد مهر و علاقه، کنترل رفتارها و کاهش جدایی و طلاق است؛ زیرا با آن می‌توان زندگی را از آلوده شدن به بیماری دنیاگرایی و انهدام کانون خانواده مصون و محفوظ نگهداشت (علی‌اکبری، ۱۳۸۴: ۱۲-۱۷).

در این خصوص در قرآن کریم با ادبیات استعاره‌های مطالب ظریف و لطیف وجود دارد از جمله در سوره نساء به مردان سفارش بر آن است که با زنان خود به نیکی معاشرت کنند و فراتر از آن از این آیه استفاده می‌شود که اگر به دلایلی نسبت به همسر خود نگاه خوش‌بینانه هم نداشتید با زهم با اخلاق‌مداری بسازید و عجولانه تصمیم به بدرفتاری و جدایی نگیرید؛ زیرا بسا چیزی برایتان ناخوشانید است؛ اما خداوند در آن خیر فراوان قرار می‌دهد «وَ عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئاً وَ يُجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرٌ كَثِيراً» (نساء: ۱۹) و احادیثی با مطالب جهت‌دهنده مرتبط با این مسئله وجود دارد (فیض کاشانی، ۱۴۰۶: ۱۴۶/۲۲).



قابل ذکر است که واژه‌ی «خیراً کثیراً» حاوی مطالب بسیار است؛ اما به نظر می‌آید از مصادیق روشن آن تولد فرزندان صالح و سالم، ارزشمند و باعث افتخار است (ابن‌عاشور، بی‌تا، ۷۱/۴). همچنین از آیه‌ی که زن و شوهر را به منزله‌ی لباس و زینت هم بیان کرده و بیانات رهبری به دست می‌آید (خامنه‌ای، ۱۴/۱۰/۱۳۹۰) وجه استدلال این است که تأمین خواسته‌ها موجب نگهداری انسان از بی‌حیایی و بدرفتاری و معاشرت و آمیزش با غیر خود می‌شود (طباطبایی، بی‌تا، ۵۹/۲؛ طنطاوی، بی‌تا، ۳۹۳/۱).

از این رو اگر همسران در رابطه‌ی زناشویی خود به سفارش‌های قرآنی اهتمام نمایند در زدودن رذایل اخلاقی و جلوگیری از بدرفتاری گام برداشته و از ره‌آورد‌های آن فزایش مهر و محبت در کانون گرم خانواده و کنترل نفس و کاهش طلاق و آسیب‌های اجتماعی و استحکام‌بخشی بنیان خانواده است.

#### سه. فراهم‌سازی بستر صلح و سازش

در مباحث یادگیری اجتماعی به این توجه داده شده که انسان‌ها انتزاعات را به صورت کدهای تصویری و گفتاری ذخیره می‌کنند و این رابطه‌ی معنادار با تمرین، تلقین، تجسیم و فراهم‌سازی زمینه‌ی صلح و سازش فراتر از سطح تخیلی دارد. تفاوت اساسی میان خیال‌پردازی و تجسم ذهنی در تفصیلی‌تر و دقیق‌تر بودن تجسم ذهنی است.

در خیال‌پردازی گسستگی زیادی دیده می‌شود و افراد با سرعت به برآیندی که می‌خواهند برسند، جهش می‌کنند ولی در تجسم ذهنی گام‌ها با دقت برداشته می‌شود و این در جهت رسیدن به اهداف و برآیند مطلوب بهتر است.

این برای آن است که تجسم ذهنی چگونگی انجام کار یا وضع مطلوب در آینده حاصل اندیشه در مورد مسئله است که آدمی را در مقابل آن توانمند به پیش‌بینی و رسیدن به موفقیت می‌سازد. به تعبیر دیگر انسان از بداندیشی و فال بد زدن اجتناب کند و با نیک اندیشی و مثبت اندیشی خود را برای رسیدن به موفقیت مهیا سازد (رضائیان، ۱۳۹۴: ۱۹۷).

غرض این است که تجسم تصویر ذهنی برای ایجاد صلح و سازش در زندگی نقش تأثیرگذار در کاهش طلاق و ضرورت سازش در زندگی دارد و در این خصوص از آیه‌ی «وَ إِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَابْعَثُوا حَكَمًا مِنْ أَهْلِهِ وَ حَكَمَا مِنْ أَهْلِهَا إِنْ يُرِيدَا إِصْلَاحًا...» (نساء: ۳۵) و احادیث مرتبط با مسئله (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۴۶/۶) می‌توان بهره گرفت.

بی‌تردید در این آیه مطالب ظریف و ژرف درباره اهمیت صلح و سازش وجود دارد (سیوطی، ۱۴۰۴: ۱۵۶/۲)؛ اما به نظر می‌آید محوری‌ترین کلمه «شِقَاق» به معنای قهر کردن و عداوت است؛

زیرا این عام قوی برای ایجاد نفرت و رفتارهای انحرافی و منجر به طلاق است که در این خصوص در حدیث مفصل توجه داده شده است (صدوق، ۱۴۱۳: ۵۲۱/۳).

از این رو خدای سبحان برای مواردی که احتمال برود کار زن و شوهر به دشمنی بیانجامد دستور داده یک حکم از طرف زن و یک حکم از طرف مرد به مسئله رسیدگی کنند، زیرا دخالت یک حکم این خطر را دارد که او جانب یک طرف را بگیرد و حکم جائزانه کند.

و معنای اینکه فرموده: «إِنْ يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا» این است که اگر واقعاً هر دو طرف نزاع ناشی از غفلت یا سوء تفاهمات داشته باشند و عناد و لجبازی در کارشان نباشد خدای تعالی به وسیله این دو حکم بین آن دو توافق و اصلاح برقرار می‌کند.

بر همین اساس رهبری تصریح و تأکید بر این دارند که اگر زوجین چون زمام اختیار خود را به حکمی بدهند که خودشان پسندیده‌اند (خامنه‌ای، ۱۳۷۲/۶/۱۱) پیامد آن، رسیدن به توافق صلح و سازش بر پایه هشیاری عاقلانه و رهایی از قهر غافلانه و درک درست خواسته‌ها و نیازهای طبیعی و خیر واقعی خود است (خامنه‌ای، ۱۳۷۸/۱۱/۲۸) و بر این اساس از برکات و فواید ازدواج و شرایط کمالی و کفویت از منظر اسلام درک و دریافت بایسته با شیوه درست می‌یابند (خامنه‌ای، ۱۳۸۰/۱۲/۹ و ۱۳۷۲/۱۰/۶). نکته قبل تأمل این که در کافی از امام صادق (ع) در باره «فَاتَّبَعُوا حَكْمًا مِنْ أَهْلِهِ وَ حَكْمًا مِنْ أَهْلِهَا» آمده است: این دو حکم باید با زن و شوهر شرط کنند که هر حکمی که کردند آن دو قبول کنند، اگر حکم کردند که باید از هم جدا شوند، بپذیرند و اگر حکم کردند که باید با هم باشند بپذیرند. از این رو بایست حکم‌ها از راز ماندگاری، حقوق متقابل، ضرورت رازداری، ساده‌زیستی، رعایت عفاف و حجاب و دیگر دلایل متلاشی شدن کانون گرم خانواده و نیز عناصر و عوامل مؤثر در افزایش محبت و کاهش طلاق را دیده و سنجیده و با نگاه جامع به ارزیابی بپردازند.

مسلماً این مهم با برنامه‌ریزی بایسته حاصل می‌شود چون برنامه‌ریزی تجسم و طراحی ذهنی وضع مطلوب در آینده و یافتن و ساختن راه‌هایی است که آدمی را از وضع موجود به وضع مطلوب برساند (رضائیان، ۱۳۹۴: ۱۹۸) و با این نگرش در صدد ایجاد اعتماد و رسیدن به صلح و سازش باشند و تصمیم به داوری بگیرند.

#### چهار. سبک زندگی اسلامی

گفت‌وگو با خود در باره سبک زندگی بسیار مهم است و مطالعات نشان می‌دهد انسان در گفت‌وگو با خود مجموعه‌ای از افکار را ارزیابی می‌کند، بدین معنا که هرکس در باره خودش، واقعیت‌ها، رخدادها و انتظارات را واقع‌بینانه و مبتنی بر سرشت می‌نگرد و عقل فعال و وجدان بیدار آن را به حق‌گرای و اتخاذ



سبک آزمایش‌بخش و آسایش آور و پذیرش فرهنگ قرآنی «لیسکن» فراتر از نگرش ماشینی و بهره‌وری و لذت‌بری بیشتر از زندگی جهت می‌دهد. در این خصوص آنچه از گفتگوی حضرت فاطمه علیها السلام و امام علی علیه السلام به دست می‌آید این است که زن و شوهر بایست در گفتار و رفتار با هم صادق باشند و در برخوردها و در امور مالی و رعایت عفت و اجتناب از خیانت شایستگی و بایستگی خود را نشان دهند و اعتماد همدیگر را به دست آورند چنانکه امام علی در پاسخ حضرت زهرا علیها السلام در حوزه زندگی سالم داشتن می‌فرماید: «أَنْتِ أَعْلَمُ بِاللَّهِ وَ أَبْرُ وَ أَنْتَقَى وَ أَكْرَمُ وَ أَشَدُّ خَوْفًا مِنَ اللَّهِ...» (نیشابوری، ۱۳۷۵: ۱۵۱/۱).

بر همین اساس رهبری در باره سبک زندگی اسلامی و ضرر و زیان‌ها وارد ساخته سبک زندگی غربی به نهاد پاک خانواده و سلول اصلی پیکر اجتماع (خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۱۲/۱۵؛ ۱۳۸۱/۳/۸) هم در بیانۀ گام دوم انقلاب و هم در دیگر بیانات توجه داده است. ایشان در باره جایگاه خانواده سالم و رسیدن به جامعه سالم و خاستگاه مشکلات روانی، نسل‌های بی‌حفاظ و مختصات خانواده مطلوب دینی و ایمانی فرمایشات فراوان دارند (خامنه‌ای، ۱۳۷۲/۶/۱۴؛ ۱۳۷۷/۹/۱۲).

از مجموع بیانات ایشان در این حوزه به دست می‌آید که گفتگو با خود مبتنی بر نگرش دینی یک نوع «خودکامیابی» و موجب افزایش مهر و محبت و کاهش طلاق است. بی‌تردید کسی در هر حوزه و عرصه‌های از جمله درباره نقش زن و مرد و انتظاراتها، و متلاشی شدن خانواده، پیامدهای منفی به ذهن خود بفرستد زمینه را برای شکست فراهم می‌سازد و اگر پیام‌های مثبت بفرستد بستر رشد و پیشرفت را آماده و تسهیل می‌کند.

از این رو در ادبیات مدیریتی تأکید و تصریح بر این است که با مدیریت خویشتن می‌توان به زندگی بایسته نائل آمد (رضائیان، ۱۳۹۴: ۱۹۸). نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در این خصوص از بیانات رهبری مبتنی بر آموزه‌های اسلامی؛ می‌توان الگوی بایسته با مبانی و معیارهای مرتبط با رعایت موازین شرعی اهتمام به تفاوت‌های جنسی و طبیعی، خود تقویتی و معقول سازی انتظاراتها را طرح و تبیین کرد اما از آنجا که پرداختن به همه آنها مجال و مقال جداگانه می‌طلبد در این پژوهش با نگاه کلان‌تر در زیرگونه دو مؤلفه (عدالت و عفت) بدان‌ها اشاره می‌گردد (ر. ک: خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۱۲/۲۳؛ ۱۳۷۶/۴/۳۱).

### رعایت عدالت و انصاف

بی‌تردید از منظر اسلامی لازمه رعایت عدالت و دادگری، پذیرش اصول و مبانی و عناصر فرهنگ قرآنی و رویایی است و در حدیثی آمده رعایت انصاف برترین فضایل انسانی است «إِلَّا نَصَافٌ أَفْضَلُ الْفَضَائِلِ» (آمدی، ۱۴۱۰: ۴۷) و در حدیث دیگر آمده هیچ عدالتی چون انصاف نیست «لَا عَدْلَ

کالانصافی» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۶۵/۷۵) بی تردید از اطلاق این روایات عدالت و انصاف را در حوزه‌های مختلف از جمله در ارتباط با زن و شوهر می‌توان فهمید و رهبری نیز به این مهم توجه داده است با رعایت عدالت، مصلحت ازدواج و خانواده بایسته شکل می‌گیرد و این فراهم‌ساز بستر جامعه سالم است و معمولاً بی‌عدالتی و نادیده گرفتن اصول و ارزش‌های بنیادی منطبق با سرشت آدمی موجب اختلالات زندگی و اختلافات اخلاقی و خانوادگی است (خامنه‌ای، ۱۳۷۸/۱/۱۶)

شایان توجه این‌که عدالت‌گزینش حد وسط به دور از افراط و تفریط است و تشخیص این حد وسط در امور مرتبط دل‌ها و میل باطنی، بسیار دشوار است؛ چون رعایت علاقه عادلانه و مساویانه امری ناشدنی و همیشه از حیطه اختیار آدمی بیرون است.

از این رو رعایت عدالت به مقدار واجب شرعی و توجه به شرایط مختلف و مهرورزی و رنگ الهی دادن به گفتار و رفتار و عمل می‌باشد و این مدعا از آموزه‌های آیه «وَلَنْ تَسْتَطِيعُوا أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ النِّسَاءِ وَ لَوْ حَرَصْتُمْ فَلَا تَمِيلُوا كُلَّ الْمَيْلِ فَتَذَرُوهَا كَالْمَعْلُوقَةِ وَ إِنْ تَصْلِحُوا وَ تَتَّقُوا...» (نساء: ۱۲۹) و احادیث مرتبط با این مسئله (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۶۳/۵) به دست می‌آید.

در آیه تصریح و در احادیث تبیین شده که هرچند حرص به رعایت عدالت بورزید هرگز نمی‌توانید از همه جهات به‌ویژه میل باطنی «المودة» آن را برقرار سازید؛ بنابراین منظور برقرار سازی حکم عدالت در انجام وظایف ظاهری چون روی نگردانی، رهان‌کردن بلا تکلیف و ایجاد صلح و سازش بر پایه تقوا است و اگر در این خصوص امکان رعایت عدالت نباشد وظیفه مردان تک‌همسری است (ثعلبی نیشابوری، ۱۴۲۲: ۳/۳۴۴).

مطالعات تفسیری نشان می‌دهد جمله «وَإِنْ تَصْلِحُوا وَتَتَّقُوا...» مردان را تشویق و ترغیب به این می‌کند که هرگاه امارات و نشانه‌های ناسازگاری را دیدند، بلادرنگ درصدد اصلاح برآیند و بیان فرموده که این اصلاح کردن خود یکی از مصادیق تقوا است و تقوا هم به دنبال خود مغفرت و رحمت را می‌آورد و این جمله بعد از جمله: «وَ الصُّلْحُ خَيْرٌ» و بعد از جمله: «وَ إِنْ تُحْسِنُوا وَ تَتَّقُوا...»

در حقیقت آنچه از لسان روایات به دست می‌آید «وَ الصُّلْحُ خَيْرٌ وَ هَذَا إِذَا كَرِهَ الرَّجُلُ الْمَوَاتَةَ وَ أَرَادَ أَنْ يَطْلُقَهَا وَ كَرِهَتْ هِيَ الطَّلَاق...» (ابن حیون، ۱۳۸۵: ۲/۲۲۸) و این تأکید بعد از تأکید است (قشیری، بی‌تا، ۳۶۴/۱-۳۷۱). در این خصوص بر مبنای آموزه‌های اشاره رفته از فرمایشات فراوان رهبری می‌توان بهره گرفت. به‌عنوان نمونه ایشان انصاف‌گرایی را بستر برای به‌خودآیی و تجدید نگرش زن و مرد نسبت به همدیگر دانسته و تأکید دارند که با این نگرش همت خود را برای ادامه راه آماده کنند. ایشان می‌فرمایند «زندگی یک مبارزه است، کل زندگی عبارت است از یک مبارزه بلندمدت، با عوامل طبیعی، با موانع اجتماع و با درون خود انسان که مبارزه با نفس است» (خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۳/۸).



از آیات کلام وحی و فرمایشات رهبری به دست می‌آید که انسان همیشه در حال مبارزه است. بدن و جسم انسان و روح و روان آن دائم دارد با عوامل و عناصر مضر و مخرب مبارزه می‌کند و این مبارزه بایست منطقی عادلانه، در جهت رعایت قرارداد زناشویی، با رفتارهای صحیح و ابزارهای درست و حس قدرشناسی فراتر از عشق مصنوعی (خامنه‌ای، آزادی جنسی، و باهدف تقویت کانون گرم خانواده و تربیت نسل باهویت، صالح و سالم باشد). (خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۴/۲۲؛ ۱۳۷۰/۴/۲۰؛ ۱۳۸۰/۱۲/۹).

بی‌تردید چنین بینش و نگرش و انگیزش موجب بی‌توجهی به سبک زندگی غربی و رهایی از پیامدهای منفی دوره نشاط جوانی و تندی احساسات و غرایز است؛ زیرا در آن سبک وقتی میل طبیعی و غرایز جنسی فرونشست شوق و محبت نیز کم‌رنگ می‌شود و برخلاف پیوند مقدس ازدواج و برخلاف فطرت و مصلحت طلاق‌های زیاد، ازدواج‌های ناموفق، همسران بی‌وفا، تخطی‌های جنسی فراوان، غیرت کم، نسل بی‌هویت و خانواده در سراسی سقوت قرار می‌گیرد (خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۱۲/۲۳) و به فرموده رهبری چنین سبک زندگی موجب شده که در به‌در به دنبال آرامش بگردند، بی‌عدالتی بیداد کند و مانند موریانه پایه‌های مهر و عشق راستین را بخورد و پسرقت‌های صنعتی و علمی بدون التزام به مبانی و ارزش‌های الهی و انسانی تمدن غرب و به تبع آن، افراد خانواده‌ها را نسبت به یکدیگر در شرف بی‌اعتنایی، تحقیر، ستیز و ازهم‌پاشی قرار دهد (خامنه‌ای، ۱۱/۲۲ و ۱۳۷۴/۱۲/۱) و این فرمایشات از متن و محتوای احادیث به دست می‌آید (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۶/۲).

### رعایت عفت و حجاب

عفت و پاکدامنی یکی از مهم‌ترین عناصر محوری استحکام خانواده است و از ده‌ها آیه در این خصوص مطالب مرتبط ضرورت حجاب و حرمت نگاه به نامحرم و حفظ عفت می‌توان بهره گرفت.

در چندین آیه خداوند به پیامبر با خطاب دستوری می‌فرماید به اهل ایمان بگو چشمان خود را از آنچه دیدنش ناروا است ببندند و عورت‌های خود را حفظ کنند و در معرض دید قرار ندهند و این مدعا از آیات «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ» (نور: ۳۰)؛ «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ...» (نور: ۳۱) به دست می‌آید؛ و از «وَلَا يَبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا...» (نور: ۳۱) این استفاده می‌شود که زنان زیور و زینت خود و جاهای آنها (گردن، سینه، موهای سر، بازوان و ساق‌های پا) را نباید آشکار نسازند، جز بر حسب ضرورت عرفی (مانند لباس‌های رو و صورت و دست‌ها).

از «وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ وَلَا يَبْدِينَ زِينَتَهُنَّ...» (نور: ۳۱) و در حدیثی آمده «زِينَةُ النَّاسِ وَزِينَةُ لِلْمَحْرَمِ وَزِينَةُ لِلرَّوْحِ...» (تفسیرقمی، ۱۴۰۴: ۱۰۱/۲) و از این آموزه‌ها به دست می‌آید که

روسری‌های خود را بر روی گریبان‌ها بزنند تا گردن و سینه پوشانده شود، و زیور و جاهای زیور را بر کسی آشکار نسازند جز بر شوهر و محرم‌های شرعی (طیب، ۱۳۸۷: ۵۲۱/۹).

همچنین با توجه به موقعیت اجتماعی و نقش الگوی زنان پیامبر ﷺ قرآن کریم آنان را مخاطب قرار داده و فرموده است: ای همسران پیامبر، شما زن عادی نیستید و تقوای پیشه کنید و در گفتار خود ناز و عشوهِ مرزید تا کسی که در دل او مرض فسق و فجور است طمع ورزد، و بر شماست که گفتاری نیکو و به دور از تحریک و ریبه داشته باشید «يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنَّ اتَّقِيْنَ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَّعْرُوفًا» (احزاب: ۳۲) و این بازداري از ناز و کرشمه برای تحکیم روابط زناشوی است (قرشی، ۱۴۱۲: ۶۰/۷).

در آیه دیگر با نگرش عام خود پیامبر را مخاطب قرار داده و فرمودهای پیامبر، به همسران و دختران و زن‌های مؤمنان بگو روسری‌ها و چادرهای خود را بر خویش بیفکنند تا گردن و سینه و بازوان و ساق‌هاشان پوشیده شود و با این نوع حجاب و عفاف خود را از نگاه غرض آلود فاجران حفظ کنند «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ...» (احزاب: ۵۹) در حدیثی تبیین شده و آمده «كَانَ سَبَبَ نُزُولِهَا أَنَّ النَّسَاءَ كُنَّ يَخْرُجْنَ إِلَى...» (مجلسی، ۱۹۰/۲۲) بستر و شرایط و معیارها بیان شده است.

بی تردید تفسیر و تبیین نکات تفسیری آیات ذکر شده فراتر از ظرفیت این پژوهش می‌باشد و در کلی‌ترین شکل می‌توان گفت از آیات شریفه و برداشت‌های مفسران به این رسید که مراد از حجاب اسلامی، پوشش و حریم قائل شدن در رویه و مراوده، تعامل و گفت‌وگوی زنان با مردان نامحرم در حوزه‌های مختلف است.

درواقع از آیات این استفاده می‌شود که هرآنچه موجب جلب توجه و نگاه‌های زهرآگین طرفین به یکدیگر شود از جانب شرع به شدت منع شده و آثار و تبعات مخرب دنیوی و اخروی به همراه دارد. برابر آیات یادشده با وجود اینکه آثار و تبعات باحجابی و یا بی‌حجابی دامن‌گیر خانواده و اجتماع می‌گردد؛ اما به این معنا نیست که زن و یا مرد و یا جامعه به این جمع‌بندی رسید که ما دیگر ضرورتی برای حفظ حجاب نمی‌بینیم و می‌توانیم رضایت بدهیم که کشف حجاب کنیم.

در بینش قرآنی این اندیشه مردود است و زن باید کاملاً درك کند که حجاب او تنها مربوط به خود او نیست تا بگوید من از حق خودم صرف‌نظر کردم، حجاب زن مربوط به مرد نیست تا مرد بگوید من راضیم، حجاب زن مربوط به خانواده نیست تا اعضای خانواده رضایت بدهند، حجاب زن، حقی الهی و وظیفه شرعی است (جوادی آملی، ۱۳۸۵: ۴۳۷).





افزون بر آن اینکه برهنگی آرایش و عشوه‌گری زنان سبب کوبیدن اعصاب آنها و ایجاد هیجان‌های بیمارگونه عصبی و گاه سرچشمه امراض روانی می‌گردد.

در نتیجه طلاق و ازهم‌گسیختگی زندگی زناشویی به‌طور مداوم بالا خواهد رفت و دیگر قداست پیمان زناشویی مفهومی نمی‌تواند داشته باشد و فرزندان نامشروع به شکل وحشتناک و تصاعدی افزایش خواهد یافت و شخصیت زن تا سرحد یک عروسک، یا کالای بی‌ارزش سقوط می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۴۴۳/۴-۴۴۵).

بر اساس آموزه‌های قرآنی و گزاره‌های دینی و رهبری در باره شخصیت و کرامت زن و نقش رعایت عفت و حجاب در افزایش مهر و دل‌بستگی و کاهش رفتارهای انحرافی و آسیب‌های اجتماعی مطالب دقیق و ظریف بسیار دارند.

به‌عنوان نمونه می‌فرمایند: «خودنمائی و جلوه‌فروشی، یک لحظه است و آثار سوء آن برای کشور... مخرب و ماندگار است؛ در حالی که ملاحظه عفاف، ملاحظه حدود شرعی در رفتار و حرکات بانوان، اگر چنانچه سختی ای داشته باشد، سختی کوتاهی است، اما آثارش، آثار عمیق و ماندگاری است. خود خانم‌ها خیلی باید مراقبت کنند مسئله حجاب را، مسئله عفاف را؛ وظیفه آنهاست، افتخار آنهاست، شخصیت آنهاست. حجاب مایه تشخیص و آزادی زن است؛... زن با برداشتن حجاب‌های خود، با عریان کردن آن چیزی که خدای متعال و طبیعت پنهان بودن آن را از او خواسته، خودش را کوچک می‌کند، خودش را سبک می‌کند، خودش را کم‌ارزش می‌کند. حجاب وقار است، متانت است، ارزش‌گذاری زن است، سنگین شدن کفه آبرو و احترام اوست؛ این را باید خیلی قدر دانست و از اسلام باید به خاطر مسئله حجاب تشکر کرد؛ این جزو نعمت‌های الهی است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۲/۲۳).

در بیانات دیگر می‌فرمایند: «مسئله حجاب و محرم و نامحرم و نگاه کردن و نگاه نکردن، همه به خاطر این است که قضیه عفاف در این بین سالم نگه داشته شود» (خامنه‌ای، ۱۳۷۶/۷/۳۰).

ایشان مکرراً زنان را به التزام و پابندی به این مهم دعوت می‌کنند و در بیان دیگر می‌فرماید: «ما زن را به عفت، به عصمت، به حجاب، به عدم اختلاط و آمیزش بی‌حد و مرز میان زن و مرد، به حفظ کرامت انسانی، به آرایش نکردن در مقابل مرد بیگانه دعوت می‌کنیم» (خامنه‌ای، ۱۳۷۱/۹/۲۵) از دیدگاه رهبری هر حرکتی که برای دفاع از زنان انجام می‌گیرد، باید رکن اصلی آن رعایت عفاف باشد (خامنه‌ای، ۱۳۷۶/۷/۳).

پایه و مایه و منشأ تأکیدات رهبر در این مسئله آموزه‌های وحیانی است؛ چنانکه اشاره رفت مسئله عفاف و حجاب در گستره وسیعی از آیات مورد تأکید و دستور شرعی قرار گرفته و به مؤمنان دستور داده

شده که به‌عنوان وظیفه پاک‌دامنی پیشینه‌کنند و چشم خود را از نگاه حرام فروگیرند نه تنها چشم بلکه در گفتار و رفتار نیز باید حجاب داشته باشند.

در ذیل آیات مطرح شده صاحب تفسیر المیزان در ارتباط با حکمت و مصلحت دستور الهی به پوشش تأکید بر این دارد که این کار زنان موجب می‌شود تا آنها به‌عنوان زنانی عفیف و صالح شناخته شوند و در نتیجه مورد اذیت و آزار اهل فسق و فجور قرار نگیرند (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۳۴۰/۱۶). بیانات زمخشری (زمخشری، ۱۴۰۷: ۵۶۰/۳) و سید قطب (سید قطب، ۱۴۲۵: ۲۸۸/۵) نیز مؤید این نگرش بوده و فراتر از آن از فرمایشات رهبری به این می‌رسیم که حکمت و مصلحت حجاب خلاصه در رهایی از چنگال مردان فاسق و رهنز نمی‌شود، بلکه آفات و پیامدهای مخرب دیگری همچون: توسعه‌ی فساد و فحشا، بارداری‌های نامشروع و سقط جنین، پیدایش امراض روانی و مقاربتی، خودکشی و فرار از خانه در اثر آبروریزی، بالا رفتن آمار طلاق و تضعیف روابط خانوادگی، پیروی از هدف شوم و راهکارهای شیطانی می‌شود.

ایشان می‌فرمایند: «من در یک سخنرانی در سازمان ملل، حدود یک ساعت واندی راجع به خانواده صحبت کردم. اطلاع یافتم که تلویزیون‌های آمریکا با اصراری که در سانسور کردن و خراب کردن حرف‌های ما دارند، روی این صحبت‌ها تکیه کرده و آن را چندین بار پخش کرده و تفسیر هم گذاشتن و آن به خاطر گفتن یک کلمه در باره خانواده است. برای آنان پیام متضمن مسئله خانواده یک پیامی است مانند آب خنک گوارا چون کمبود آن را حس می‌کنند. چقدر زن‌ها و مردها که تا آخر عمر تنها و غریب و بی‌انس زندگی می‌کنند...» (خامنه‌ای، ۱۳۷۶/۹/۲۴).

بر پایه بیانات مقام معظم رهبری و گزاره‌های وحیانی قرآن کریم می‌توان به این رسید که حجاب و عفاف نقش کلیدی در کاهش آمار طلاق و جدایی خانواده‌ها دارد و هرچقدر که این مهم رعایت شود پیوند بین زوجین مستحکم‌تر و مودت و رحمت افزون‌تر خواهد شد.

بی‌گمان اگر زوج‌ها و خانواده‌ها گوش شنوا نسبت به آموزه‌های قرآنی و عبرت و درس‌گیری از انواع آسیب‌های ناشی از فسادهای اخلاقی و جنسی و جنایت و حتی قتل‌های که در مطبوعات گزارش می‌شود و هوشمندان غربی نیز بدان هشدار می‌دهند (۱۳۷۹/۳/۳۰) داشته باشند و تیره‌بختی‌ها و ولگردی‌های که ناشی از پیروی ناآگاهانه از اهداف شوم و راهکارهای شیطانی و شیوه زندگی تهی از آموزه‌های حیات بخش قرآن و عترت می‌شود را جدی بگیرند آگاهانه خود را متعهد به عمل کردن به دستورات و رهنمودهای آن نمایند از ره‌آورد‌های آن که همانا کاهش طلاق و جلوگیری از فروپاشی نظام خانواده و ملتزم به رعایت حقوق متقابل واقعی نه خیالی و تصنعی می‌شود، بهره‌مند خواهند شد.



با این نگرش محیط خانه را برای خود و سایر اعضا، معطر و آرامش بخش می‌سازند و با باورمندی به قوامیت مرد «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ» (نساء: ۳۴) و ریحانه بودن زن «الْمَرْأَةُ رِيحَانَةٌ وَ لَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۵/۵۱۰) مانند دو شریک و دو رفیق (خامنه‌ای)، نقش‌ها را بدون مردسالاری یا زن‌سالاری لحاظ می‌کنند، با مراقبت‌های اخلاقی به تفاوت‌های طبیعی زن و مرد اهتمام می‌ورزند و به این می‌رسند که محبت واقعی با سفارش به‌دست نمی‌آید. به جای نفس‌پرستی عشق‌ورزی را با احترام متقابل، اعتمادسازی و ذوب کردن کدورت‌ها در لابلای محبت‌ها در خانواده حاکم ساخته و از این طریق به خوشبختی می‌رسند و همدیگر را بهشتی می‌کنند (خامنه‌ای، ۱۳۷۲/۳/۱۹؛ ۱۳۷۹/۸/۳؛ ۱۳۸۱/۶/۶).

### نتیجه‌گیری

این پژوهش درصدد کشف و تبیین نظام‌مند راهکارهای کاهش طلاق از منظر روایات با تأکید بر اندیشه امام خامنه‌ای بود و با محور قرار دادن عوامل و عناصر نقش‌آفرین درونی و بیرونی راهکارها را کشف، تبیین و ارائه کرد. مهم‌ترین‌ها در حوزه داخلی مدیریت خواسته‌ها و کنترل نفس از زرق و برق‌های مادی جلب‌کننده توجه، لحاظ کردن نقش مدیریتی و تربیتی زن در خانه و از مرد در بیرون و سطح کلان، تأمین نیازها و التفات به تفاوت‌های جنسیتی و طبیعی و امور مرتبط با آن مانند قناعت‌پیشگی، هشدارها و یادآوری‌ها تحقیرآمیز و بسترساز رفتارهای انحرافی، ایده آل خواهی افراطی منجر ساز به فروپاشی خانواده و آلوده‌سازی‌ها به معاشرت‌های غیرشرعی است. همچنین به‌دست آمد که در حوزه عوامل محیطی تعیین هدف و هدف‌گذاری، التزام‌های اخلاقی و تعهدمحوری، و فراهم‌سازی بسترهای صلح و سازش و پاس‌داری از حریم‌ها و رعایت عدالت و عفاف و حجاب، سپرهای سترگ حفظ کانون گرم خانواده و راهکارهای راهگشا در حوزه کاهش طلاق و افزایش مهر و محبت و رحمت است. بر همین اساس به‌دست آمد که آسان‌گیری، بی‌توجهی به چشم‌وهم‌چشمی‌های مشکل‌آفرین و اهتمام به ارزش‌های دینی و حفظ آبرو، عزت، معنویت و الگوگیری بایسته دینی و قرآنی نقش بسیار مؤثر در افزایش مهرورزی و کاهش طلاق و خواسته‌های غیر منطقی دارند.

افزون بر آن مشخص شد که با این نگرش هدف و برکات ازدواج و نیز آسیب‌های ناشی از طلاق با معیارهای بایسته سنجیده می‌شود و بر همین مبنا تصمیم‌گیری برای برنامه‌ریزی، قناعت‌ورزی، خود تقویتی و رعایت کردن شرط‌ها و دیگر عناصر نقش‌آفرین در کسب موفقیت‌های فردی و خانوادگی در کانون توجه قرار می‌گیرد.

از این رو اساس معیارهای منطقی کنترل بر خواسته‌ها و انتظارات را لحاظ کرده و پایه‌ها و مایه‌های رشد و پیشرفت متوازن و رسیدن به زندگی آزاد، آباد و پرآسایش و پر نشاط و اهتمام به عملکردها و استانداردها در گزینش‌های مختلف از حیث کمی و کیفی را مدنظر قرار داده و با اندیشه‌ورزی راهکارهای علمی و عملی را دیده و سنجیده و سپس با در نظر گرفتن مشارطه و لحاظ کردن قرارداد بین خود و خدا و همسر، و مراقبه یا نظارت بر نحوه اجرای بلیدها و نبلیدها و حساب کشی از خود و روشن‌سازی درست‌ها و نادرست‌ها مبتنی بر مبانی، ارزش‌ها و الزامات زندگی مشترک، و نیز در نظر گرفتن معاتبه یا ملامت کردن خود در مورد تخلف‌های جزئی و معاقبه یا مجازات و عقوبت کردن در مورد تخلف‌های بزرگ، تصمیم به عملیاتی سازی می‌گیرد. بی‌گمان این امور نیازمند توجه جدی به ازدواج و تداوم آن به‌عنوان سنت اجتناب‌ناپذیر و نیز آسیب‌های کلان ناشی از سرپیچی از تکالیف دینی و گسستن پیوند زندگی زناشویی است.

با باور و بینش حاضر و ناظر دانستن خداوند در همه شئون زندگی انسان به‌جای می‌رسد که در خلوت و جلوت از معصیت دوری گزیند و با اهتمام به عوامل و عناصر نقش‌آفرین در کاهش طلاق و افزایش مهر و مودت و رعایت عادلانه حقوق متقابل و محور قرار دادن فضائل اخلاقی، خواهش‌های نفسانی و وسوسه‌های شیطانی را به‌صورت جامع‌نگرانه کنترل و مدیریت کند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



## فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. صحیفة الإمام الرضا علیه السلام مشهد: کنگره جهانی امام رضا علیه السلام، ۱۴۰۶ق.
۴. افروز، غلام علی، روانشناسی ازدواج و شکوه همسری، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۹۳ش.
۵. بهشتی، احمد، خانواده در قرآن، قم: بوستان کتاب، ۱۳۷۷ش.
۶. پاریزی، مهدی ایران‌نژاد؛ ساسانگهر، پرویز، سازمان و مدیریت از تئوری تا عمل، تهران، بانکداری ایران، ۱۳۸۲ش.
۷. پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحة، تهران، دنیای دانش، ۱۳۶۳ش.
۸. تقی زاده، محمد احسان، وصال مهرورزان (مسائل اساسی قبل و بعد از ازدواج)، نشر حدیث راه عشق، ۱۳۸۳ش.
۹. ثعلبی نیشابوری، احمد، الكشف البیان عن تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء، ۱۴۲۲ق.
۱۰. جارا، حسین بخش، انوار النجف فی اسرار المصحف، لبنان، بیروت، بی‌نا، بی‌تا.
۱۱. جوادی آملی، زن در آئینه جمال و جلال، قم: بنیاد اسراء، ۱۳۸۵ش.
۱۲. حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل شرعیه، نشر کتابچی، ۱۴۱۴ق.
۱۳. خالقی، رحمت الله، ازدواج و بهداشت روانی، ماهنامه معرفت، شماره ۶۴، ص ۸۳، ۱۳۸۲ش.
۱۴. رضائیان، علی، اصول مدیریت، تهران: سمت، ۱۳۹۳ش.
۱۵. رضائیان، علی، انتظار عدالت و عدالت در سازمان، تهران: سمت، ۱۳۸۹ش.
۱۶. رضائیان، علی، مبانی و رویکردهای مدیریت خویشتن، تهران: سمت، ۱۳۹۴ش.
۱۷. سیوطی، جلال‌الدین، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
۱۸. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین، ۱۴۱۷ق.
۱۹. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.



۲۰. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۲۱. طیب، سید عبدالحسین، اطیب البیان فی تفسیر القرآن. تهران: انتشارات اسلام، ۱۳۷۸ ش.
۲۲. علی اکبری، محمدجواد، مطلع عشق (گزیده‌های از رهنمودهای رهبری به زوج‌های جوان)، نشر فرهنگ اسلامی، بی تا.
۲۳. قشیری، عبدالکریم، لطائف الشارات، مصر: الهیئه، ۱۳۸۴ ق.
۲۴. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
۲۵. کوئن، بروس، مبانی جامعه‌شناسی، ترجمه دکتر غلام عباس توسلی و دکتر رضا فاضل، تهران: سمت، ۱۳۹۶ ش.
۲۶. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار (ط- بیروت)، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق.
۲۷. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ ش.
۲۸. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ ش.
۲۹. مکارم شیرازی، ناصر، توضیح المسائل، قم: مدرسه امیرالمؤمنین، ۱۳۸۵ ش.
۳۰. میرباقری، سید محمد مهدی، عصر جدید (خوانشی از مفاهیم و راهبردهای بیانیه گام دوم)، قم: فرهنگستان علوم اسلامی، چاپ پنجم، ۱۳۹۸ ش.
۳۱. نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۳۲. نیک، سکینه، حقوق زن و شوهر در اسلام، انتشارات طلیعه، ۱۳۷۵ ش.
۳۳. هلالی، سلیم بن قیس، کتاب سلیم، قم: الهادی، ۱۴۰۵ ق.
۳۴. پایگاه اینترنتی Khamenei. Ir.



## Bibliography

1. *Quran-e Karim (The Holy Quran)*.
2. *Nahj al-Balaghah (The Peak of Eloquence)*.
3. Afrouz, Gholam Ali, *Ravanshenasi-e Ezdevaj va Shokuh-e Hamsari (Psychology of Marriage and the Splendor of Matrimony)*, Tehran: Tehran University, 1393 SH (2014 CE).
4. Aliakbari, Mohammad Javad, *Motlae'e Eshq (The First Couplet of Love: Selections from the Guidance of Ayatollah Khamenei to Young Couples)*, Nashr-e Farhang e Eslami, n.d.
5. Baheshati, Ahmad, *Khanevadeh dar Quran (Family in the Quran)*, Qom: Bustan-e Ketab, 1377 SH (1998 CE).
6. Cohen, Bruce, *Mabani-e Jame'shensasi (Foundations of Sociology)*, Translated by Dr. Gholam Abbas Tavassoli and Dr. Reza Fazeli, Tehran: SAMT, 1396 SH (2017 CE).
7. Hilali, Sulaim bin Qais, *Ketab Sulaim (The Book of Solaim)*, Qom: Al-Hadi, 1405 AH (1985 CE).
8. Hurr Amili, Mohammad bin Hassan, *Wasael al-Shi'a ila Tahsil Masa'el Sharia (The Means of Shia to Obtain Jurisprudential Issues)*, Ketabchi Press, 1414 AH (1993 CE).
9. Jara, Hossein Bakhsh, *Anwar al-Najaf fi Asrar al-Mus'haf (The Lights of Najaf in the Secrets of the Quran)*, Lebanon, Beirut, n.p., n.d.
10. Javadi Amoli, *Zan dar Ayineh-ye Jamal va Jalal (Woman in the Mirror of Beauty and Majesty)*, Qom: Esra Foundation, 1385 SH (2006 CE).
11. Khaleqi, Rahmatollah, *Ezdevaj va Behdasht Ravani (Marriage and Mental Health)*, Ma'arif Monthly, No. 64, p. 83, 1382 SH (2003 CE).
12. Kulayni, Mohammad bin Ya'qub, *Osul Kafi (Principles of Kafi)*, Tehran: Dar-e Kutub al-Islamiyyah, 1407 AH (1986 CE).
13. Majlisi, Mohammad Baqer bin Mohammad Taqi, *Bihar al-Anwar (Seas of Lights)*, Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi, 2nd Edition, 1403 AH (1982 CE).
14. Makarem Shirazi, Naser, *Tafsir-e Nemouneh (Exemplary Exegesis)*, Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah, 1374 SH (1995 CE).
15. Makarem Shirazi, Naser, *Tawzih al-Masa'el (Explanation of Jurisprudential Issues)*, Qom Amir al-Momenin Seminary School, 1385 SH (2006 CE).
16. Mir Baqeri, Seyyed Mohammad Mehdi, *Asr Jadid (New Era: Reading of Concepts and Strategies of the Second Step Statement)*, Qom: Islamic Sciences Academy, 5th Edition, 1398 SH (2019 CE).
17. Mustafawi, Hassan, *Al-Tahqiq fi Kalimat al-Quran al-Karim (Investigation into the Words of the Noble Quran)*, Tehran: Ministry of Islamic Culture and Guidance, 1368 SH (1989 CE).
18. Najafi, Mohammad Hassan, *Jawahir al-Kalam fi Sharh Shara'ea al-Islam (Gems of Speech in the Explanation of Islamic Laws)*, Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi, n.d.
19. Nik, Sakineh, *Hoquq-e Zan va Shohar dar Islam (Rights of Women and Husbands in Islam)*, Entesharat-e Talie'ah, 1375 SH (1996 CE).
20. Parizi, Mehdi Irannejad; Sasan Gohar, Parviz, *Sazman va Modiri'at az Theori ta Amal (Organization and Management from Theory to Practice)*, Tehran, Banking of Iran, 1382 SH (2003 CE).



21. Payandeh, Abolqasem, *Nahj al-Fasahah (The Path of Eloquence)*, Tehran, Donyaye Danesh, 1363 SH (1984 CE).
22. Qoshairi, Abdul Karim, *Lata'if al-Isharat (Subtleties of Pointers)*, Egypt: Al-Hay'ah, 1384 AH (1964 CE).
23. Rezaeiyan, Ali, *Entezar-e Adalat va Adalat dar Sazman (Expectation of Justice and Justice in the Organization)*, Tehran: SAMT, 1389 SH (2010 CE).
24. Rezaeiyan, Ali, *Mabani va Ravakrahay-e Modiriyat Kheeshtan (Foundations and Approaches to Self-Management)*, Tehran: Samt, 1394 SH (2015 CE).
25. Rezaeiyan, Ali, *Osul-e Modiriyat (Principles of Management)*, Tehran: SAMT, 1393 SH (2014 CE).
26. *Sahifeh-ye Imam Reza (AS)*, Mashhad: International Congress of Imam Reza (AS), 1406 AH (1985 CE).
27. Suyuti, Jalal al-Din, *Al-Durr al-Mansur fi Tafsi al-Ma'thur (The Scattered Pearls on the Quranic Exegesis)*, Qom: Ayatollah Marashi Najafi Library, 1404 AH (1983 CE).
28. Tabarsi, Fazl bin Hassan, *Majma' al-Bayan fi Tafsi al-Quran (Compilation of Statements in Quranic Exegesis)*, Tehran: Nashr-e Naser Khosrow, 1372 SH (1993 CE).
29. Tabatabai, Seyyed Mohammad Hossein, *Al-Mizan fi Tafsi al-Quran (The Balance in Quranic Exegesis)*, Qom: Daftar e Entesharat Islami Jame'e ye Modarresin, 1417 AH (1996 CE).
30. Taqizadeh, Mohammad Ehsan, *Vasal-e Mehrvarzan (Masael-e Asasi Ghabl va Baad az Ezdevaj) (The Union of Lovers: Fundamental Issues Before and After Marriage)*, Nashr-e Hadith-e Rah-e Eshq, 1383 SH (2004 CE).
31. Tayyeb, Seyyed Abdolhossein, *Atyab al-Bayan fi Tafsi al-Quran (The Finest Expression in Quranic Exegesis)*, Tehran: Nashr-e Eslam, 1378 SH (1999 CE).
32. Tha'labi Neyshaburi, Ahmad, *Al-Kashf al-Bayan 'an Tafsi al-Quran (The Clear Explanation of Quranic Exegesis)*, Beirut: Dar e Ihya al-Turath al-Arabi, 1422 AH (2001 CE).
33. Tousi, Mohammad bin Hassan, *Al-Tibyan fi Tafsi al-Quran (The Elucidation in Quranic Exegesis)*, Beirut: Dar e Ihya al-Turath al-Arabi, n.d.
34. Website of Ayatollah Khamenei: Khamenei.ir.